



عن علي بن الحسين عليه السلام قال:

﴿لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَبُوهُ وَ لَوْ بِسَفْكِ الْمُهْجِ وَ خَوْضِ اللَّجَجِ﴾

الكافي، جلد 1، صفحه 35

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی،
وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. 1398/9/24

عنوان:

حرص و خواری

شناسنامه مطلب	
e-b-93	کد مطلب
	موضوع
علمی / ادبیات عرب / بلاغت / کمک آموزشی / جواهر البلاغة / سؤال و تمرین	رده
حرص، ذلت، معانی ابواب، باب افعال، استعاره، «لکن»، حرف ابتداء، استدارک، اغراض تقييد	برچسب
1. محتوای این فایل، پاسخ به تمرین 163 از تمارین کانال کاربرد علوم حوزوی در پیام‌رسان ایتا است. 2. در تولید این فایل از نرم‌افزارهای ادبیات عرب و قاموس اللغة و جامع الاحادیث متعلق به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی استفاده شده است.	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

عن امیر المؤمنین علیه السلام: الحرص لا یزید فی الرزق و لکن یذل القدر¹

تمرین:

1. غرض از تقیید به لکن چیست؟

2. آیا تعلق اذلال به قدر حقیقی است؟

پاسخ:

1. بنابر ابتدائیه و استدراکیه بودن لکن و نه عاطفه بودن آن کما هو الظاهر² شبهه در این استدراک این است که رزق و قدر چه ارتباطی باهم دارند؟ ظاهراً در پاسخ این اشکال باید در نظر گرفت که هر دو امور مطلوب انسان است و خبر فرض را بر این گرفته که مستمع از الحرص لا یزید فی الرزق چنین بفهمد که حرص فقط اثر مثبت ندارد اما اثر منفی هم ندارد لذا با آمدن لکن استدراک شده و این ذهنیت غلط از مخاطب اصلاح شده است تا بداند حرص علاوه بر نداشتن آثار مثبت، برخی آثار منفی هم دارد و الله اعلم.

2. ذلّت، وصف انسان است و آن کمی قدر اوست. در کتب لغت، متعلق ذلّت را چه در ثلاثی مجرد و چه در مشتقات آن فرد گرفته‌اند و نه وصف منزلت و قدرش لکن در غالب موارد امکان مجاز در اسناد هست که می‌تواند فوق العاده برای پژوهش‌گر غلط انداز باشد مانند اذله که می‌توان گفت اذلّ قدره و همچنین در استدله. مقابله آن با عزّت و مقایسه آن با هوان در منابعی مانند «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج 3، ص: 352 الفرق بین الاذلال و الالهانة» نیز دلیل قاطعی برای رد احتمال حقیقی بودن اسناد ذلّت به قدر نیست زیرا عزت و هوان را نیز می‌توان به قدر نسبت داد لکن مجموع قرائن و تراکم استعمالات نشان می‌دهد که موضوع له لفظ ذلّ و مشتقات آن خفت جایگاه فرد است و نه خفت مطلق

¹. غرر الحکم و درر الکلم، ص: 102

². ینبغی مراجعة مغنی اللیب، ج 1، ص: 292

خصوصاً موردی مثل این مطلب که در الإفصاح، ج 1، ص: 631 آمده و می‌گوید و أذَلَّ فلان: صار أصحابه أذلاء و تقدیرش حسب معانی باب افعال این است صار فلان ذا ذلّة و من المعلوم ان ذلّة اصحاب الرجل ذلّته و هذه الاضافة الاخيرة ان قلنا بان متعلق الذلّة قدر الرجال دون انفسهم تحتاج الى تأويل اكثر فان خفّة قدر اصحاب الرجل ليست خفّته نفسه على ما أسند إليه في هذا الفعل بل خفّة قدره فافهم پس دراین روایت که اذلال به قدر نسبت داده شده است - والله العالم - استعاره روی داده است گویا قدر و جایگاه فرد برای او مانند یکی از خویشاوندان تلقی شده است که توسط حرص تحقیر می‌شود و فائده این استعاره برجسته کردن جایگاه کرامتی انسان برای اوست تا مخاطبین حساسیت بیشتری به آن داشته باشند و اراده‌شان را برای مبارزه با حرص بیشتر جمع کنند.